گفت‌وگو با دکتر حسن آقاجانی استاد دانشگاه علوم پزشکی تهران درباره تبعات مختلف بحران همه‌گیری کرونا

کرونا امید به زندگی را نشانه گرفت

فریبا خان احمدی
خبرنگار

هفته‌ای که گذشت باید هفته جولان کرونا در ایران نامید. موارد فوتی در حالی که در نخستین ماه پاییز روی عدد ۲۵۰ ثابت مانده بود یک مرتبه دچار جهش شد و آمار جانباختگان ارقامی بیش از ۳۰۰ مرگ در روز را رکورد زد. اعضای ستاد ملی کرونا می گویند؛ بخشی از این شرایط پیچیده ناشی از تغییر رفتار مردم است، مردمی که برای اجرای سیاست‌های محدود کننده مانند گذشته همکاری نمی کنند. در مقابل مردم اما می گویند دولت نتوانسته بحران را مدیریت کند و کارنامه قابل قبولی ندارد. با افزایش موارد ابتلا و فوت ویروس کرونا و خستگی و فرسودگی کادر درمان در موج سوم کرونا این سؤال مطرح می شود که آیا توانسته‌ایم بعد از ۹ ماه از شیوع این پاندمی افکار عمومی را به منظور رعایت پروتکل‌های بهداشتی اقناع کنیم یا خیر؟ اگر مسئولان می گویند باید ماسک بزنیم، باید فاصله گذاری فیزیکی را انجام داد و... آیا اقناع سازی کافی از سوی آنها برای اهمیت رعایت و دلیل انجام آن نیز صورت گرفته است؟ دکتر حسن آقاجانی، فوق تخصص قلب و عروق و استاد دانشگاه علوم پزشکی تهران معتقد است: دولت در بحث مدیریت اپیدمی کرونا با لحاظ کردن تنگناها کارنامه نسبتاً قابل قبولی دارد اما نکته مهمی که بر آن تأکید دارد این است که الزام مردم به رعایت پروتکل‌های بهداشتی و شکستن زنجیره انتقال ویروس علاوه بر آنکه نیازمند اعمال محدودیت‌های مؤثر و جدی‌تری است به اقناع افکار عمومی به ارائه پیام‌های روشن، قاطع، هماهنگ و مرتب و مداوم از سوی مدیران مقابله با کرونا نیاز دارد. با دکتر آقاجانی که فوق تخصص قلب و عروق و استاد دانشگاه علوم پزشکی تهران است پیرامون تبعات مختلف بحران همه‌گیری ویروس کرونا گفت‌وگو کرده‌ایم که در ادامه می خوانید:

■ **به‌عنوان نخستین سؤال بفرمایید به‌نظر شما بحران همه‌گیری کووید۱۹ چه تأثیری بر روابط اجتماعی و نوع تعاملات افراد جامعه برجای گذاشته است؟ تغییراتی که این پاندمی در سبک زندگی مردم ایجاد کرد مشمول چه ویژگی‌هایی است؟**

بیماری کرونا به‌عنوان حادثه غیرمترقبه‌ای که کل جهان را درگیر کرد دارای ویژگی‌هایی است که هنوز قسمت زیادی از ابعادش ناشناخته است. طبیعتاً مواجهه انسان با چنین پدیده‌ای بر تمام ابعاد زندگی فردی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و روانی تأثیر گذاشته است. شیوع کرونا به‌عنوان بیماری نوپدید در جهان به گونه‌ای بود که حتی جامعه پزشکی هم نسبت به این بیماری اطلاعات چندانی نداشت. اگرچه از قبل با انواع خانواده این ویروس مواجه بوده‌ایم اما کووید۱۹ به‌صورت ناگهانی با تعداد موارد ابتلای افزایش یابنده ابتدا در چین و بعد در همه دنیا گسترش پیدا کرد. وحشت زیادی در همه جوامع به‌وجود آمد و تبعات آن علاوه بر مردم، دولتمردان، فعالان اقتصادی و... را گرفتار کرد. جهان با پدیده‌ای مواجه شده بود که اولاً نسبت به آن جهل داشت و ثانیاً به‌دلیل جهلی که نسبت به حجم این مشکل حاصل شده بود ترس و وحشت زیادی هم ایجاد شد و این اضطراب و نگرانی در سطح جامعه تسری یافت. مردم نیز در مواجهه با این اپیدمی دنبال این بودند که چه کار باید بکنند؟ در چنین شرایطی برخورد عالمانه ومدبرانه از طرف مدیران جامعه در جهت دهی به آحاد مردم بسیار حیاتی است، مردم اصلی‌ترین نعمت و سرمایه خود و عزیزان شان را در معرض تهدید جدی و ملموس می دیدند و جدی بودن مرگ بر بازی زندگی بی‌رحمانه خودنمایی کرد. اطلاعاتی که مسئولان و دست اندرکاران حوزه سلامت ارائه می‌دادند در آگاهی بخشی مردم مؤثر بود. علاوه بر این وسایل ارتباط جمعی و فضای مجازی نیز نقش مهمی دارند. من به‌عنوان عضوی از جامعه پزشکی احساس می‌کنم مردم ایران به‌خاطر غنای فرهنگی و حس کمک و همدردی و نوعدوستی که در طول تاریخ در وجودشان نهادینه شده است کمک کردند تا در مقابل این بیماری مقاومت و تاب‌آوری نسبتاً خوبی بروز یابد و زمینه و بستر تدبیر مناسب را داشته باشیم. اینها سرمایه عظیمی است که ملت کهن ایران دارند و نشان داده‌اند این ملت از پس تندباد حوادث بر می‌آیند. ملتی که از کودکی ذهن و زبانش مشحون و گویا به چنین ابیاتی است:

بنی آدم اعضای یک پیکرند
که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار
دگر عضوها را نماند قرار
تو کز محنت دیگران بی‌غمی
نشاید که نامت نهند آدمی

از سرمایه بزرگی بهره‌مند است این اشعار همه مرزهای جغرافیایی و سیاسی را درنوردیده و زینت بخش سازمان ملل است. بنابراین وقتی سلامت تهدید می‌شود اولویت ذهنی افراد تغییر می‌کند. وقتی شما احساس می‌کنید نعمت سلامتی دچار تهدید شده طبیعتاً زندگی رنگ دیگری به خود می‌گیرد. افراد می‌بینند دوست و همکار و همسایه به ناگاه به‌خاطر اهمال فرد دیگری و شرایط ناخواسته دچار بیماری شده و بعد هم از دنیا رفته است بنابراین جدی بودن نعمت سلامتی و اهمیتی که باید به زندگی بدهد و قدرش را بداند بیشتر می‌شود. کرونا یکی از درس‌های بزرگی که به جامعه داد، این بود که با سن و سال افراد و طبقات اجتماعی و اقتصادی‌شان کاری نداشت. کرونا امید به زندگی را که مثلاً در ایران ۷۶ سال است بهم ریخت، چه تعداد افراد با داشتن سن کم از دست رفتند؟ حتی طبقات اجتماعی را نیز برهم زد. اگرچه افراد با وضع اقتصادی مناسب با فرهنگ بهداشتی مناسب و تغذیه و ورزش کافی در برابر بیماری قوی ترهستند ولی کرونا نشان داد همین افراد هم اگر دستورالعمل‌های بهداشتی را رعایت نکنند از دست می‌روند. کرونا به ما نشان داد؛ قدر زندگی را بهتر بدانیم و از فرصت‌ها بهتر استفاده کنیم. چه نعمت‌هایی که داشتیم و دیدیم با وجود کرونا براحتی از دست می‌روند. مثل لذت سرزدن به هم، روبوسی کردن، دست دادن، میهمانی و دور هم بودن و دید و بازدید عید و...چیزهایی که معمول بود و هزینه مادی نداشت غیر از احساس علاقه و اراده. کرونا نشان داد چنین نعمت‌هایی می‌تواند براحتی از دست برود. به هر حال آنچه روشن است؛ اپیدمی‌های نهفته به موازات این بیماری در جامعه اتفاق افتاده است. وضع اقتصادی بسیاری از افراد دچار مشکل شده بویژه افرادی که بواسطه شغل‌شان باید در محیط باشند و مشاغل روزمزد دارند و درآمدشان صرفاً به‌خاطر کار فیزیکی است. به‌عبارتی جدای از اپیدمی کووید۱۹ اپیدمی مشکلات نهفته زیر پوست همه جوامع در جریان است. نگرانی‌هایی از قبیل از دست دادن شغل و مشکلات اقتصادی و تبعات اجتماعی و مشاغل امنیتی آن برای همه جوامع مهم است. مسئولان و نخبگان و روشنفکران جامعه باید به تبعات اقتصادی کرونا توجه داشته باشند و حمایت و مساعدت‌های لازم را از این اقشار انجام دهند. به هر حال این پاندمی که کل جهان را در نوردیده موجب هوشیاری بیشتر مردم شد. مردم نسبت به مراقبت‌های فردی آگاه‌تر شدند و به بهداشت‌شان بیشتر اهمیت می‌دهند. باید توجه کنیم در کنار رعایت فاصله فیزیکی، همبستگی جمعی به‌عنوان عامل چسبندگی روح جمعی ما باید تقویت شود.

■ **برخی بروز کرونا را نتیجه دست درازی در طبیعت می‌دانند اینکه تخریب طبیعت منجر به از دست رفتن تاب‌آوری جهان شده است. شما فکر می‌کنید طغیان کرونا تا چه اندازه به این موضوع ربط دارد؟**

کرونا نشان داد وقتی به طبیعت دست درازی می‌کنیم طبیعت به ما سیلی می‌زند. در نظر بگیرید در طول تاریخ با طبیعت هر چه مهربان بودیم طبیعت هم بازخورد مهربانانه‌اش را دریغ نکرده است اگر با خوی تجاوزگری مهارناپذیر به طبیعت حمله می‌کنیم طبیعت هم به ما سیلی می‌زند. کرونا یکی از پاسخ‌های طبیعت بود همان‌طور که با میزان تولید آلاینده‌های شیمیایی تغییراتی را در لایه اوزن به وجود می‌آوریم. تغییر درجه حرارت، آب شدن یخ‌های قطب، تغییر فصول و ایجاد باران‌های سیل آسا و... همه و همه زنجیره اتفاقاتی است که به‌خاطر دستکاری در طبیعت رخ داده است. چرا چنین بی‌محابا و شتابان بند از بند طبیعت جدا می‌کنیم؟ وقتی گوهر عقل قدر نبیند و برصدر ننشیند بشر تجاوزگری می‌کند حتی با بقیه توانایی‌های بالقوه ارزشمند مثل علم. در چنین برخوردی با طبیعت قهراً باید منتظر انواع تهدیدهای زیست‌محیطی باشیم که کرونا یکی از آنهاست. وقتی به ادعای یکی از برندگان نوبل در ژاپن فکر می‌کنیم که گفته است طبق برخی قرائن ویروس کرونا یک ویروس دست ساز است این دستکاری مخرب بشر در طبیعت پررنگ‌تر هم می‌شود. ویروس کرونا نشان داد که رفتار معمول ویروس‌های دیگر را ندارد هم سرما دوست است، هم گرما دوست و این میهمان ناخوانده همچنان مصر است بماند و آسیب بزند.

■ **به‌نظر می‌رسد همزمان با شیوع این بحران پزشکان و کادر درمان از هیچ کوششی دریغ نکردند و تمام و کمال پای کار آمدند. در این دوره اعتماد مردم به پزشکان و پرستاران بیشتر شد به اعتقاد شما اگر از خودگذشتگی پزشکان و کادر درمان نبود بحران اجتماعی دیگری هم قابل پیش‌بینی بود؟**

باید بگویم؛ یک پزشک تمام متن زندگی اش خدمت است. البته همه کادر درمان از پرستار و بهیار و خدمه‌ای که بیمار را نظافت می‌کند، پزشکی که از صبح تا شام به فکر نجات جان بیماران است، کسی که در آزمایشگاه نمونه‌گیری می‌کند، راننده آمبولانس که باید گوش به زنگ باشد و بیمار را بموقع به بیمارستان برساند و... همه و همه در متن خدمت‌اند یعنی مسیرشان مسیر خدمت است. در شرایطی که جامعه پزشکی در تیررس انواع اعتراض‌ها و اتهامات بعضاً سوگیرانه و مغرضانه قرار گرفته بود با این توجیه که پزشک‌ها دنبال پول اند، پای کار آمدند. در حقیقت هدف یک پزشک خدمت و ارائه و حفظ نعمت سلامت و زندگی به مردم است. زدن چنین برچسب‌هایی نازل کردن جامعه پزشکی و جفا در حق نخبگان کشور است. ما اگر پزشکان را به‌عنوان الگوی یک جامعه تخریب کنیم کل جامعه را تخریب کرده‌ایم. در جامعه‌ای که قله‌های علمی اش را تخریب و بی آبرو کنند صدمه‌اش به چه کسی می‌رسد؟ ثمره چنین رویکردهایی در جامعه چه فجایعی خواهد بود؟ جامعه پزشکی شرافت ذاتی دارد. آنقدر این راه سخت و پرمشقت است اگر کسی عاشق این کار نباشد نمی‌تواند موفق شود. برفرض عده‌ای معدود هم که دنبال درآمدهای نامشروع باشند، اینها افرادی هستند که در دل جامعه پزشکی جایگاهی ندارند. به‌هر حال این عظمت جامعه پزشکی در اثر حب و بغض‌ها، حسادت‌ها و کوتاه بینی‌ها به‌طور سهوی یا عمدی دچار تخریب شده بود. در این بزنگاه جامعه پزشکی یک بار دیگر درخشش و عظمتش را نشان داد به گونه‌ای که بیش از ۳۰۰ نفر از جامعه پزشکی جان‌شان را در دفاع از مردم در این بحران همه گیر از دست دادند. اینها افراد معمولی نبودند، متخصص و فوق تخصص بودند. اینکه تصاویری از خواب رفتن از فرط خستگی همکار عزیزی که متخصص خون و آنکولوژی بعد از شیفت در فضای مجازی پخش شد و همین عزیز در راه خدمت جانش را سخاوتمندانه تقدیم کرد می‌تواند الگوی إیثار و فداکاری در کتاب‌های درسی مدارس معرفی شود. بسیاری از پزشکانی که جان شان را تقدیم مردم می‌کنند اینها افرادی هستند که اگر انگیزه مادی ملاک بود در حالی که می‌توانستند مدت‌ها بدون کار کردن امورشان را بگذرانند، ولی بیش از زمان قبل از کرونا وقت و انرژی می‌گذارند. تمامی اعضای جامعه پزشکی از جان و دل کار می‌کنند. چند وقت پیش در یکی از پروازها پزشک متخصص بیهوشی را از داخل کابین هواپیما خارج کردند به صرف اینکه پزشک از بیمار کرونایی مراقبت می‌کند. جامعه پزشکی این مصایب را می‌بیند ولی مثل باران که بر همه می‌بارد و مثل آفتاب که به همه نور می‌دهد به بیماران با وجود تلفات جانی، به نحو احسن خدمات ارائه می‌دهد.

■ **ارزیابی شما از سیستم سلامت کشور در مواجهه با بحران کرونا چیست و شما اقدامات دولت را چطور می‌بینید؟ به‌عبارتی تصمیمات ستاد ملی کرونا تا چه اندازه در جامعه اثر بخش بوده و به‌طور کلی چرا برخی از مردم کرونا را جدی نمی‌گیرند؟**

معتقدم نظام سلامت از موفق‌ترین بخش‌های کشور است اگر ما بخواهیم بخش‌هایی از کارنامه ۴۰ ساله نظام را در دنیا مانور بدهیم به نظرم قطعاً یکی از مهم‌ترین آنها دستاوردهای نظام سلامت است این را با ادله و مستندات می‌گویم. من در دورافتاده‌ترین روستاها خدمت کردم و رئیس شبکه بهداشت و درمان تا مدارج بالای نظام سلامت بودم. بعد از انقلاب توسعه خانه‌های بهداشت روستایی و نظام شبکه شکل گرفت و خدمات اولیه سلامت به زبان بومی و ساده در دور افتاده‌ترین روستاها از سوی افرادی که حتی تا کلاس پنجم ابتدایی سواد داشتند به‌عنوان بهورز ارائه می‌شد. بهورزها آموزش‌های اولیه را به روستاییان می‌دادند، واکسیناسیون انجام می‌دادند و تشخیص اولیه علائم بیماری جزو وظایف‌شان است. با راه‌اندازی خانه‌های بهداشت بسرعت شاخص‌های سلامت در کشور ارتقا یافت. این سیستم که در کل کشور وجود دارد یک اسکلت‌بندی مناسبی را برای ارائه خدمت فراهم کرد. در این بحران همه‌گیری کووید۱۹ نیز می‌توانستیم از این ظرفیت بیشتر و بهتر استفاده کنیم. به هیچ وجه قصد ندارم زحمات تک تک عزیزان را نادیده بگیرم و دست همه زحمتکشان این عرصه را در تمام سطوح می‌بوسم ولی به‌دلیل درس گرفتن و اصلاح برخی مطالب را عرض می‌کنم، توجه داشته باشیم که ما هنوز در کوران این بحران هستیم و این قصه سر دراز دارد:

نکته اول؛ اینکه وقتی که با چنین پاندمی مواجه شدیم آن هم در شرایطی که تحت شدیدترین تحریم‌ها و تنگناها از جمله منابع مالی قرار داریم بهترین استراتژی استفاده از حقایقی است که حاصل علم و تجربه بشری است.

نکته دوم؛ اینکه ویروس کرونا چگونه منتقل می‌شود یک واقعیت علمی است. برای مدیریت این بحران تهویه و رقیق کردن میزان و تعداد ویروس در هوای تنفسی و حفظ فاصله فیزیکی و زدن ماسک و شست‌وشوی مرتب دست‌ها و عدم تماس با سطوح آلوده حقایق اثبات شده‌ای است که همه سیاست‌ها در جهت نیل به این راهکارهای عملی موفق خواهند بود. شکستن زنجیره انتقال جز با ایجاد محدودیت‌های مؤثر، عملی نخواهد بود. دادن پیام‌های روشن، قاطع، هماهنگ، مرتب و مداوم اساس مدیریت مردمی است که تشنه اطلاعات هستند. بیان مطالب مبهم از قبیل تعیین زمان اتمام بحران کرونا، اظهار اینکه «قرنطینه برای قرون وسطی است»، عدم تعیین تکلیف قاطع در مورد سفرهای نوروزی و عدم استفاده از فرصت تعطیلات نوروز و ماه رمضان که فعالیت‌های مردم معمولاً خیلی کم است برای قرنطینه و شکستن قاطع زنجیره انتقال ویروس در موج اول به نظرم از مواردی است که می‌شد به گونه بهتری باشد و همین کلمات و پیام‌های متناقض جز آثار منفی و به هم زدن روح و روان جامعه و خدشه دار شدن اعتماد عمومی به مفاهیم علمی، ثمره دیگری نداشت در حالی که از این ظرفیت بهتر می‌توانستیم استفاده کنیم.

■ **یعنی معتقد هستید شیوه کنترل موج اول کرونا در سطح جامعه انتظار دست اندرکاران نظام سلامت را تأمین نکرد؟**

ما تعطیلات زیادی را در نوروز، ماه رمضان، هفته آخر اسفند و فروردین ماه داشتیم اگر در آن زمان تصمیمات قاطعانه و صدای واحد از مسئولان کشور به سطح جامعه انتقال پیدا می‌کرد قطعاً کنترل اوضاع در موج اول بهتر بود. در حالی که از برخی مسئولان کشور پیام‌های متناقض می‌شنیدیم مثلاً درباره اینکه سفر نوروزی برویم یا نه؟ حرف‌ها همه مبهم و بعضاً متناقض بیان می شدند. این نحوه بیان‌ها اثراتی در جامعه به همراه داشت. نظام سلامت سرباز خط مقدم این داستان بود و اگرچه ظرفیت نظام سلامت بسیار بالا است و کادر درمان خوب حرف هم را می‌فهمند ولی حرف‌های متناقض این هماهنگی را دچار اشکال می‌کند بویژه وقتی این پیام‌ها از سوی مسئولانی صادر می‌شود که تأثیرگذارند. نکته دیگر توجه زیاد به تبلیغات و بیانات هیجانی و بعضاً غیر علمی و غیر دقیق در مورد وضعیت مدیریت بیماری در کشور و اظهاراتی از قبیل اینکه دنیا به‌دنبال الگو گرفتن از مدیریت ماست یا بیان یافتن روش‌های درمانی و تشخیصی که مبنای علمی روشنی ندارند، گاهی به مردم این پیام را القا می‌کند که اگر پیشگیری هم نکنیم درمان وجود دارد. در حالی که جهان علم در حال حاضر در مقابل این بیماری جز مراقبت و رعایت اصول بهداشتی راه حلی ندارد، علم از کسی دستور نمی‌گیرد و راه خودش را می‌رود هر چه بهتر و شفاف‌تر حقایق علمی را به مردم بگوییم و آنها را درگیر کنیم موفق‌تر خواهیم بود البته تأکید می‌کنم دولت با وجود تحریم‌ها و مشکلاتی که کشور با آن مواجه است نمره بالایی را در کارنامه‌اش ثبت کرد ولی عملکردش در رابطه با اعمال محدودیت‌ها در سفرهای نوروزی و تعطیلات ماه رمضان و مراسم محرم بهتر از این می‌توانست باشد. معتقدم نباید حرف‌های متضاد به مردم بزنیم اینها باعث می‌شود افراد سردرگم شوند.

■ **شما فکر می‌کنید با توجه به ورود کشور به موج سوم اپیدمی کرونا، آیا تنها با هشدار و توصیه می‌توان جلوی افزایش موارد ابتلا و مرگ و میر را گرفت؟**

باید بدانیم با دستور و هشدار نمی‌توان با واقعیت علمی مواجه شد. رفتار ویروس منطق خودش را دارد باید آن را بشناسیم و عالمانه آن را کنترل کنیم. باید از نظرات کارشناسی نخبگان بهره‌مند شویم. بخش پزشکی از سرآمدهای این کشور هستند و در ارائه راهکار و عملی کردن اقدامات در جهت حفظ سلامت مردم بسیار کارآمد است. ما در شرایط خطرناکی قرار داریم و فقط می‌گویم خدا در پاییز و زمستان به مردم ما رحم کند مردم ما بی‌پناه‌اند. به‌خاطر تحریم‌ها در نقل و انتقال ارز دارو دچار مشکل و مضیقه هستیم در این شرایط خدا کمک کند تعداد بیمار کم شود تا نظام سلامت از ارائه خدمت ناتوان نشود. برای همین در حال حاضر اصل بر پیشگیری است. بنابراین کسانی که تریبون در اختیار دارند باید پیام واحد منتقل کنند. برخی افراد حرف‌های بی‌ربطی می‌زنند که وهم دین و اسلام و عقلانیت و مقابل قرار دادن دین با عقل بشر است. شهید مطهری در کتاب علل گرایش به مادی گری می‌نویسد: از عللی که در جوامع اروپایی باعث شد مردم از دین گریز پیدا کنند این بود که دیدند تعالیم و مدعیاتی که افراد به‌عنوان نماینده دین مطرح می‌کردند، ضد عقل بود. مردم وقتی دیدند این حرف‌ها که به اسم دین می‌زنند با عقل و علم جور در نمی‌آید دچار تناقض شدند و دین‌شان را از دست دادند. افراد باید توجه کنند حرف‌هایی که زده می‌شود و پیام‌هایی که به افراد می‌دهیم ضامن اثرات آنها هستیم. پیام‌هایی که منجر به تهدید سلامت افراد یا گسترش بیماری شود به لحاظ عقلی، علمی و شرعی خلاف است.

به‌طور کلی باید بگویم؛ بخش سلامت با تمام ظرفیت درگیر این بحران بوده و نشان داد که نظام سلامت در صف و میدان بسیار ایثارگرانه وخوب عمل کرده است. به نظر من در موج اول شیوع کرونا می‌توانستیم از این فرصت بیشتر و بهتر استفاده کنیم و با اعمال قرنطینه اپیدمی را بهتر مدیریت کنیم. بعضاً به ناممکن بودن قرنطینه به دلایل اقتصادی اشاره می شود. اما کارشناسان و محاسبات و تجربه سایر کشورهایی که درمهار بیماری موفق تر بوده‌اند به ما خواهد گفت که شاید هزینه اقتصادی قرنطینه کمتر از شیوه‌های بینابینی است اگر همه جنبه‌ها را در نظر بگیریم.

■ **در چند ماه اخیر شیوع همه‌گیری ویروس کرونا به ایجاد اضطراب و یأس اجتماعی در جامعه دامن زده است. به‌عنوان فردی که در این حوزه تجربه دارید و در نظام سلامت مشغول هستید چه راهکارهایی را برای عبور از این بحران به مردم پیشنهاد می‌دهید؟ چرا مردم کرونا را جدی نمی‌گیرند؟**

یکی از مشکلات بحران همه‌گیری کووید۱۹ این است که بعد از مدتی حساسیت زدایی در جامعه اتفاق می‌افتد و مردم از وضعیت خسته می‌شوند. با این حال باید با اجرای قوانین قاطع توجه مردم را به‌عمل به دستورات بهداشتی جلب کنیم. برای مثال در کشورهایی که توانستند اپیدمی را کنترل کنند می‌بینیم در محل ورودی اماکن پرتردد مواد ضدعفونی گذاشته‌اند یا ماسک زدن در سطح شهر و مکان‌های شلوغ اجباری است، اماکن عمومی طی روز چندبار ضدعفونی می‌شوند در وسایل نقلیه عمومی حتماً باید فاصله فیزیکی رعایت شود، برخی تجمعات قاطعانه تعطیل می‌شوند، مدارس کاملاً غیر حضوری یا تعطیل است. همه این تصمیمات قاطعانه اجرا می‌شود و مردم می‌دانند یک نوع تدبیر در مورد تعطیلی اماکن، قرنطینه، بستن اماکن عمومی و... وجود دارد. به‌نظر من در بخش‌هایی که حاکمیت پیام روشن عقلانی به مردم منتقل می‌کند موفق‌تر بوده‌ایم و نتیجه بهتر گرفته‌ایم. الان مهم‌ترین مسأله ما کرونا است. سلامت مردم تهدید شده و همه بخش‌ها باید به این مسأله ورود کنند. پیام واحد بدهند، دستورات را بدرستی اجرا کنند، نکات بهداشتی را به مردم آموزش دهند و نظارت بر اجرای دستورالعمل‌ها را پیگیری و تکرار کنند همه اینها در کنار هم باعث می‌شود مردم نیز به حل این بحران کمک کنند. باید هشدارها و محدودیت‌ها مدام به مردم از همه راه‌ها از جمله ازطریق گوشی تلفن همراه آموزش داده شود، شبکه خاص کرونا در صداوسیما ایجاد شود و فقط به موضوع کرونا بپردازد. جالب است به نتیجه یک بررسی در مورد لزوم تکرار در تغییر رفتار اشاره کنم. دیده شد اگر شما موضوعی را ۲۰۰ بار به مردم آموزش دهید بعد از ۶ ماه ۸۵ درصد آن توصیه را رعایت می‌کنند.

■ **به‌عنوان یک فوق تخصص بیماری‌های قلبی و عروقی بفرمایید آیا ویروس کرونا موجب شدت بیماری‌های قلبی نیز شده است؟ این ویروس سیستم قلبی و عروقی را نیز گرفتار می‌کند؟**

کرونا یک بیماری عفونی است که کل سیستم بدن را درگیر می‌کند که در هر حال گردش خون و سیستم قلبی و عروقی از این قاعده مستثنی نیست. کرونا باعث سکته قلبی و افزایش لخته خون می‌شود، آمبولی ریه و در عروق مغز لخته ایجاد می‌کند. همه این عوارض می‌تواند باعث ایجاد سکته‌های قلبی و مرگ ناگهانی شود. از طرفی این ویروس روی عضله قلب عارضه ایجاد می‌کند و به آریتمی‌های خطرناک منجر می‌شود. ویروس کرونا عضله قلب را تخریب می‌کند، پرده و جدار قلب را ملتهب می‌کند و روی سیستم هدایتی قلب تأثیر می‌گذارد. در کنار این‌ها ویروس کرونا بقیه ارگان‌های بدن را گرفتار می‌کند که از اصلی‌ترین جاهای درگیر ریه است که در نتیجه اکسیژن‌رسانی خون دچار مشکل می‌شود و فرد در اثر کاهش اکسیژن‌رسانی خون دچار سکته قلبی می‌شود. نکته دیگر اینکه اضطرابی که افراد مبتلا به کرونا متحمل می‌شوند می‌تواند باعث ایجاد آریتمی قلبی شود.

> الان مهم‌ترین مسأله ما کرونا است. سلامت مردم تهدید شده و همه بخش‌ها باید به این مسأله ورود کنند. پیام واحد بدهند، دستورات را بدرستی اجرا کنند، نکات بهداشتی را به مردم آموزش دهند و نظارت بر اجرای دستورالعمل‌ها را پیگیری و تکرار کنند همه اینها در کنار هم باعث می‌شود مردم نیز به حل این بحران کمک کنند. باید هشدارها و محدودیت‌ها مدام به مردم از همه راه‌ها از جمله ازطریق گوشی تلفن همراه آموزش داده شود، شبکه خاص کرونا در صداوسیما ایجاد شود و فقط به موضوع کرونا بپردازد. جالب است به نتیجه یک بررسی در مورد لزوم تکرار در تغییر رفتار اشاره کنم. دیده شد اگر شما موضوعی را ۲۰۰ بار به مردم آموزش دهید بعد از ۶ ماه ۸۵ درصد آن توصیه را رعایت می‌کنند